

تماشاخانه

درباره نمایش «ترانه‌های قدیمی» محمد رحمانیان

خاطره و فراموشی



هوشنگ گلمکانی

● وقتی در انتهای نمایش «ترانه‌های قدیمی»، تماشاگران همراه با خواننده و همه بازیگرانش که برای روزرس بر صحنه آمده‌اند ترانه «بهار دل‌نشین» را می‌خوانند، این همسرای تأکید مودکی می‌شود بر مضمون اصلی نمایش تازه محمد رحمانیان: نوستالژی. این جان‌مایه نمایشی است متکی بر خاطره جمعی یک ملت از ترانه‌های محبوب و مورد علاقه‌شان که گاهی بدون آنکه یادشان باشد آهنگساز و ترانه‌سرا و حتی خواننده‌شان کیست، آنها را بعضی وقت‌ها ناخودآگاه زمزمه می‌کنند. حال و درونشان را به روایت این ترانه‌ها ترجمه و بازگو می‌کنند؛ اگر نه برای کسی، گاهی حتی برای خودشان، همچون واگویه‌های تنهایی، در سرخوشی یا اندوه و اغلب – به تعبیر مصطفی مستور – هنگام مزمره‌کردن «غم‌های دل‌پذیر»، «ترانه‌های که سال‌هایی طولانی به صندوق‌ها و صندوقچه‌ها تبعید شد و حالا چند سالی است که در اغلب موارد فقط بازخوانی‌های مردانه آنها رسمی و مجاز شناخته می‌شود.

«ترانه‌های قدیمی» که محمد رحمانیان پس از چند سال مهاجرت با خود به ارمغان آورده، شاید به نوعی وصف حال خود او در غربت هم باشند، اما استقبالی که از این نمایش شده و واکنش پراحساس تماشاگران، نشان می‌دهد که این حس مشترک اگر نگوییم تمامی یک ملت که بخش قابل‌توجهی از آن است، «ترانه‌های قدیمی» نمایشی در چند اپیزود است که علی‌زندیکی آوازی‌های قدیمی را با اجرای زنده پیانو (و یک مورد دوتار) در فاصله اپیزودهای می‌خواند، البته لحن خواندن زندیکیلی که آشکارا می‌کوشد با اجرای اصلی‌مانند در یادها متفاوت باشد، با لحن کلی نمایش تناسبی ندارد. او که صدایی برطینس دارد، گویی برای یک اپرا یا موزیک‌هال می‌خواند، در حالی که «ترانه‌های قدیمی» یک نمایش کوچکی و خیابانی درباره مردم عادی و دغدغه‌هایشان است: در مایه کارهای اسماعیل خلیج که رحمانیان در کلاندا اخیراً دو نمایشنامه – از این حیث کلاسیک – او را هم اجرا کرده است؛ «کلدونه خالوم» و «حالت چطورمه مش رحیم».

اپیزودهای نمایش به‌جز ارتباط مستقیم یا غیرمستقیمشان به ترانه‌ها، پیوند داستانی خیلی پررنگی با هم ندارند، جز در چند مورد که در اپیزودی اشاره به شخصیتی در اپیزود دیگری می‌شود. نمایشنامه گوجه به‌جز دیالوگ‌هایش در حد بهترین آثار نوبست‌دش نیست، اما همین ایده جذاب آثا به ترانه‌های محبوب قدیمی و اجرای خوب بازیگرانش (به‌خصوص مهتاب نصیرپور و علی سربابی و سحر دولتشاهی و... هم‌ها) و تئیدن آنها در دل داستان‌های ساده از زندگی روزمره، نمایش را جذاب و دلپذیر کرده است.

اما جدا از نوستالژی که جانمایه موکد نمایش است، می‌توان مضمون نمایش را «خاطره» و «حافظه» هم تعبیر کرد. گرچه خود نوستالژی هم با این دو مفهوم پیوند دارد، ولی اینجا بیشتر در وجه و معنای «فراموشی» اش کاربرد دارد؛ همان خطری که خاطره‌های جمعی یک ملت – اینجا ترانه‌های قدیمی – را تهدید می‌کند. از همان اولین اپیزود که یک نوازنده قدیمی در آستانه ازلایزم می‌کوشد با کمک همکار جوان‌ترش چیزهایی را به یاد بیاورد، شاهد اشاره‌ها و کنایه‌های دیگری بر همین مفهوم «خاطره» و «فراموشی» در نمایش هستیم. فقط هم قضیه ترانه‌های ایرانی نیست و ترانه‌های خارجی اپیزودی که سحر دولتشاهی و اشکان خطیبی بازی دارند، همان کاربرد و حس‌وحال ترانه‌های ایرانی نمایش را دارد.

تالار شمس فقط برای ۱۰ شب اجرا به این گروه داده شده و رحمانیان ناچار شده هر شب دو نوبت نمایش را اجرا کند. (خیرا گفته شده که این مهلت یک هفته تمدید شده)، طول اجرا بیش از دو ساعت است و با توجه به استقبال علاقه‌مندان، گروه ناچار شده تعدادی هم بلیت نشسته بفروشد. معلوم هم نبود چرا تماشاگران به شکل قطره‌چکانی به سالن راه داده می‌شدند، به‌طوری که عملاً از آغاز باز شدن در، تا استقرار تماشاگران صندلی‌نشین و زمین‌نشین (که شیوه عجیب شماره‌گذاری صندلی‌ها هم تماشاگران را سردرگم و آنها را نیازمند به راهنما می‌کند) حدود یک ساعت طول کشید. فضای خاص محل نمایش و استاندارد نبودنش برای اجرای تئاتر و نامناسب بودن تهویه باعث می‌شود در مدت طولانی اجرا، این عوامل جانبی بر روح و جسم و روان تماشاگران تأثیر منفی بگذارد و آنها نتوانند از این نمایش لذتی درخور ببرند. واقعاً چرا نباید به چنین کارگردان، چنین نمایشی و چنین گروهی که از قبل هم پیداست بسیاری از دوستداران تئاتر را جلب خواهد کرد جای بزرگ‌تر و مناسب‌تر و وقت اجرای بیشتری داده شود؟ کسی هست که پاسخ صریح و قانع‌کننده‌ای بدهد؟

پیشنهاد روز

گرافیک – موسیقی در خانه هنرمندان

● شرق: تکنوازی ویولن کاووسی با عنوان «پیش از صبا»، از مجموعه برنامه‌های گرافیک – موسیقی، در خانه هنرمندان اجرا می‌شود. ولی‌الله کاووسی، نوازنده ویولن گفت: «از آنجا که تکنوازی با ویولن مدت‌هاست از اجزای زنده موسیقی ایران حذف شده، در این برنامه قطعاتی از موسیقیدانان عصر تجدد را اجرا می‌کنیم». قطعات این برنامه منتخبی از آثار درویش‌خان، علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، مهدی مفتاح، سلیمان سپالور، رضا محجوبی، محمود دولافنون، حسینعلی ملاح و ابوالحسن صبا است. این برنامه ساعت ۱۷ روز ۲۴ شهریور در خانه هنرمندان برگزار می‌شود.

هنر

در جشن «روز ملی سینما» با حضور ۱۲۰۰ سینماگر مطرح شد

انتقاد «جنتی» از «خودسرها» در سینما

فرانک آرتا



از راست به چپ درویش کیمیایی، ایوبی، جنتی و بهشتی. عکس: ایستا

خصوصی برای جذب سرمایه‌گذاری در سینما و کاهش میزان مالیات اصحاب سینما اشاره کرد. وی اظهار امیدواری کرد: «امیدواریم در سایه تعامل سازنده با محافل بین‌المللی، حضور فیلم‌های ایرانی را در بازارها و شبکه‌های ماهواره‌ای بین‌المللی گسترش دهیم. البته در این مسیر باید به حقوق مالکیت معنوی فیلم‌ها توجه کرد.»

پرستویی: حق نداریم کار نکنیم

رویز پرستویی، دومین سخنران این مراسم، ضمن ابراز خوشحالی از بازگشایی «خانه سینما» و اینکه خوشحال‌تر می‌شدم تا غایبان هم در این جلسه شرکت می‌کردند، عنوان کرد: «خوشحالم پس از هشت سال توانستم به این جمع راه پیدا کنم. آقای میرکریمی چند وقت قبل می‌گفتند «من چندسالی است که کار نکردام». من به ایشان گفتم من چند سال کار کردم، اما ای کش کار نمی‌کردم. چون کار کردم حاصلی جز رنج و توهین و بی‌احترامی نداشت.»

وی با اشاره به شایعاتی که پیرامونش در این چند سال مطرح شده گفت: «شایعه بود که پرستویی بازیگری را کنار گذاشته و در روستایش کشاورزی می‌کند. آن زمان که بیشتر در کوهپیمایی‌ها آقای ایوبی را می‌دیدم به ایشان

ما هم دغدغه کشورمان را داریم و ما هم مثل شما، دغدغه عزت‌مندی نظام جمهوری اسلامی ایران داریم و این عزت‌مندی، عزت‌مندی ماست. **اشهد ان لا اله الا الله...**

سپس فرشته طائرپور، تهیه‌کننده سینما، از روی متنی نگاهش و درمندی‌هایش را بیان کرد و ضمن ادای شهادتین گفت: «ما از راست می‌نویسیم و شما از چپ... یا شاید هم شما از راست و ما از چپ، فرقی نمی‌کند... مهم این است که خواسته و ناخواسته، مدام در میانه سطر روزگار، به هم می‌رسیم... دقیقاً در همان بزرگانی که میعادگاه هردوی ماست»

سپس خطاب به ایوبی گفت: «جناب دکتر ایوبی، با همان کلیدی که در به ناحق بسته «خانه سینما» را گشودید، در دهان بدگویان به سینما را ببندید. چنین جفایی با سلامت و ساحت سینمای ملی ایران سازگار نیست.»

حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی نیز پاسخ داد: «امیدوارم دیگری به دل هنرمندان ایرانی رخنه نکرده و با این همدلی و شادمانی برای اعتلای سینمای ایران پیش برویم. امیدوارم همه بدانند که سینمای ایران پیشانی پرافتخار فرهنگ این سرزمین است. امیدوارم از این پس هیچ‌گاه نیاز نباشد که هنرمند ما برای اثبات اسلاش، شهادتین بخواند در حالی که همه می‌دانیم که سینمای ایران در سال‌های سخت، خدمات زیادی به این کشور کرده است.»

معاون وزیر ارشاد با اشاره به اینکه آغاز کارش با سختی‌هایی همراه بوده است، گفت: «برخی از دوستان از اینکه من کار را با سختی و تنش آغاز کردم نگران بودند. به آنها نوید می‌دهم که نگران نباشید. ما راهی را که آغاز کرده‌ایم، ادامه خواهیم داد تا آرامش را به سینمای کشور بازگردانیم.»

در این مراسم چهره‌هایی مانند نورالدین زرین‌کلک، سیروس لوند، رخشان بنی‌اعتماد، کامبوزیا پرتوی، احمدرضا درویش، محمد بزرگنیا، محمدرضا هنرمند، بهروز افخمی، ابوالفضل جلیلی، مرزویه برومند، محمدعلی سجادی، رضا میرکریمی، محمدرضا اسلاتی، محمدعلی طالبی، سیامک شایقی، امیرشهاب رضویان، مهرداد اسکویی، ابوالحسن داوودی، همایون شهنواز، همایون اسعدیان، عبدالحسن برزیده، مهدی فخرجهزاده، داوود میرباقری، محمدمهدی عسگرپور، علی قوی‌تن، کیومرث پوراحمد، علی‌رضا داوودزاد، محمدحسین لطیفی، سامان مقدم، یل‌الله صدقی، بهرام عطیمی، روح‌الله حجازی، محمد موسلانی، شهرام مکرری، کیانوش عیاری و... حضور داشتند.

چهره روز

بازخورد‌های نمایش فیلم

«آگوست: منطقه اوساج» در تورنتو

پخش «آگوست» در سپتامبر و دسامبر

نیما توسلی



● پس از اجرای نمایش «آگوست: منطقه اوساج» در سال ۲۰۰۷ به‌کارگردانی «تریسی لتز» که موفق به کسب جایزه «بولیتزر» بهترین کارگردانی درام نیز شد، از مدتی پیش خبر ساخت فیلمی به این نام و بر اساس اقتباسی از همین نمایش به‌کارگردانی «جان ولز» نیز بر سر زبان‌ها بود. نمایش اولیه این فیلم چند روز پیش (۹ سپتامبر) در جشنواره فیلم تورنتو صورت گرفت. در کمدی تلخ «آگوست: منطقه اوساج» مریل استریپ و جولیا رابرتز بازی می‌کنند و داستان فیلم مربوط به زندگی یک شاعر (با بازی سام شپارد) و همسرش (با بازی مریل استریپ) در منطقه اوساج در اوکالاهامای آمریکا و اعتیاد آنها به چیزهای مختلف است؛ فیلمی که به گفته بازیگرانش، با توجه به فیلمنامه بر احساسی که داشته، همه تیم را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است. این فیلم برای نمایش در اسکار نیز انتخاب شده و پس از نمایش آن در تورنتو، خیلی‌ها شانس جایزه اسکار نقش اول زن برای استریپ و نقش مکمل هنرپیشه زن برای رابرتز را بالا می‌دانند. جولیا رابرتز ۴۵ساله، در اظهارنظر بعد از نمایش فیلم در جشنواره تورنتو، بازی بامریل استریپ ۴ساله را تجربه‌ای رویایی، منحصره‌فرد و پر دلپهره خواند و از آن به‌عنوان بهترین تجربه دوران بازیگری‌اش تاکنون یاد کرد. به گفته او، سختکوشی و نبوغ استریپ در بازیگری ستودنی است. این اولین تجربه بازیگری جولیا رابرتز و مریل استریپ در کنار یکدیگر است. از سوی دیگر، صحنه آخر فیلم با بازخورد‌های متفاوتی روبه‌رو بوده و در قسمت پایانی که مریل استریپ با تغییر رویه از یک زن منطقی و استدلالی تبدیل به مادر و رئیس خانواده می‌شود تا خانواده را متحد کند ام‌ا دخترهایش قصد دارند او را ترک کنند، چندان مورد انتظار بسیاری از تماشاچیان نبوده و تعدادی از منتقدان اظهار کرده‌اند که این پایان فیلم ممکن است تغییرانی کند. قرار است نمایش عمومی این فیلم در آمریکا در ۲۵دسامبر صورت گیرد و باید دید آیا این تغییرات اعمال خواهد شد؟

IEON
Since 1960

صبحانه در لئون



شروع روزی متفاوت با صبحانه ای متفاوت

در لئون

۷-۱۱ صبح

فرشته، سام سنتر

تلفن رزرو: ۲۲ ۶۵ ۳۸ ۴۱

www.leon1960.com



عکس: محمد رضا نادیمی